

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۲۲۳-۲۴۲

مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی

سید ابوالقاسم نقیبی*

دانشیار دانشگاه شهید مطهری

(تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۸)

چکیده

مقاصد شریعت عبارت از اهدافی است که در شریعت به منظور جلب مصالح و دفع مفاسد بندگان، از ناحیه شارع دنبال می‌شود. مقاصد شریعت به اعتبار اهمیت، به ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم شده‌اند که حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان از مصالح ضروریه تلقی شده است. فقیه به استناد آیات، احادیث معتبر، عقل و بنای عقلا، مشروعیت و موارد مقاصد شریعت را به دست می‌دهد. مقاصدی که در منابع شناسایی شده‌اند، در فهم و تفسیر حکم شرعی مؤثرند و چه بسا، دلیلی که متضمن مقاصد است، از ظهور اطلاق یا عموم دلیل متضمن حکم، جلوگیری کند یا در نفی اعتبار برخی روایات مغایر با مقاصد استفاده شود.

واژگان کلیدی

استنباط حکم شرعی، حکمت، شریعت، علت حکم، مقاصد، مقاصد شریعت.

*. da.naghbi@yahoo.com

مبحث اول: معناشناسی مقاصد شریعت و اقسام آن

اصطلاح مقاصد شریعت مرکب از دو واژه مقاصد و شریعت است.

۱. ۱. معناشناسی مقاصد شریعت

شریعت در لغت به معنای «راه ورود به آب» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۱۷۵؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۲۳۶). اما در متون اسلامی به معنای دین به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۵۰؛ جوهری، همان). از آنجایی که تعالیم دین اسلام شامل عقاید، احکام و اخلاق می‌شود، مقاصد شریعت به معنای اهداف خداوند از عقاید، احکام و اخلاق خواهد بود. همچنین واژه شریعت به معنای احکام و مقررات عملی تکلیفی و وضعی به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۱۷۶) در این کاربرد مراد از مقاصد شریعت، اهداف خداوند از تشریح مقررات عملی در دین اسلام است. بنابراین مقاصد شریعت، اهداف اسراری هستند که شارع هنگام وضع احکام، آنها را لحاظ کرده است (فاسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۳) یا به تعبیر دیگر اهداف و نتایج برخاسته از روح شریعتند که شارع احکام را بر اساس آن پی‌ریزی می‌کند و برای دستیابی به آن در هر زمان و مکان، اسباب و امکانات لازم را فراهم می‌آورد (زحیلی، بی‌تا: ۷۰) یا اهدافی است که در شریعت به منظور تحقق مصالح بندگان پیش‌بینی شده است (ریسونی، ۱۴۱۶ق: ۱۹) یعنی شارع با جلب مصالح و دفع مفاسد از بندگان، مقاصد خود را در نظام تشریحی دنبال می‌کند. تمام آنچه در شریعت اسلام آمده است، علت، مقصود، حکمت و هدفی دارد، چون شارع قانونگذاری حکیم است. منظور از حکیم بودن او این است که او در مقام قانونگذاری، مقررات لغو و بی‌فایده‌ای را تشریح نمی‌کند. «حکمت» از شئون علیم بودن، مرید بودن و هدف داشتن و مبین اصل (علت غایی) برای تکوین و تشریح است. بنابراین احکام و نظامات تشریح شده، مقصدمند و غایت‌مدارند. بر اساس این تلقی، احکام شرعی راه‌ها و برنامه‌هایی هستند که انسان را به مقاصد شارع می‌رسانند. از آنجایی که این احکام برای عمل انسان تکلیف شده‌اند، باید کاملاً شفاف و واضح باشند. چنانچه نماز که ابزار و راه وصول به تقرب به

خداوند است؛ «الصلاة قربان کل تقی» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۳۰) آغاز و انجام، اجزا و ارکان معین و مشخص دارد و در ادله شرعی به تفصیل بیان شده است.

۱.۲. اقسام مقاصد شریعت

مقاصد شریعت به عبارات گوناگون، تقسیمات متفاوتی دارد که تنها به دو مورد آن اشاره می‌کنیم.

۱.۲.۱. ضروریات، حاجیات، تحسینات

امام محمد غزالی، مصالح و مقاصد مورد نظر شارع را به اعتبار اهمیت، به ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم کرده و برای هر کدام، مواردی را (که حکم مکمل دارد) قرار داده است (غزالی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۱۶).

الف) ضروریات

ضروریات، امور مورد احتیاجی هستند که نظام زندگی بدون آنها سامان نمی‌یابد. یعنی عدم آنها موجب اختلال نظام زندگی و تباهی و فساد در زندگی می‌شود. مانند مشروعیت خرید و فروش که منع غرر و جهل مکمل آن به‌شمار می‌آید و مشروعیت قصاص که لزوم مماثلت قاتل و مقتول مکمل آن محسوب می‌شود.

ب) حاجیات

حاجیات اموری هستند که برای توسعه زندگی و رهایی از سختی، رنج و مشقت، جعل آنها لازمند. مانند اباحه طیبات، احکام مستحب و بعضی از موارد وجوب کفایی برای این نوع از مصالح پیش‌بینی شده است.

ج) تحسینات

تحسینات و تزیینات، اموری هستند که مراعات آنها برای رسیدن به اخلاق و عادات پسندیده‌اند که در شریعت پیش‌بینی شده است. مانند ازاله نجاست و جعل طهارات از منظر غزالی.

از منظر غزالی، مقصود شارع از جعل مصالح ضروری، حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان است (غزالی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۱۷؛ شاطبی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۸ - ۱۱). شهید اول

در این زمینه می‌نویسد: «حفظ نفس با تشریح قصاص یا لزوم پرداخت دیه یا دفاع است؛ حفظ دین، به وجوب جهاد؛ به حفظ عقل یا تحریم مسکرات و جعل حد بر نوشیدن آنهاست؛ حفظ نسب با تحریم زنا، لواط و نزدیکی به حیوانات و تحریم نسب ناروا (قذف) و تشریح حد بر آن؛ و حفظ مال با تحریم غصب دزدی، خیانت، راه زدن و قرار دادن حد و تعزیر بر ارتکاب آنهاست» (شهید اول، ۱۹۸۰، ج ۱: ۳۸). برخی شمارش مقاصد شرایع در موارد پنجگانه را غیرجامع دانسته‌اند (البدوی، ۱۳۷۸، ۲۶۵ - ۲۷۹).

۲.۲.۱. مقاصد کلی، جزئی و خاص

مقاصد به اعتبار گستره آن به سه دسته تقسیم شده است.

۱. مقاصد کلی

مقاصدی هستند که شارع در وضع تمام یا غالب احکام به آنها توجه داشته است، به نحوی که در آن اهداف، حکم خاص یا نوع خاصی را مد نظر قرار نداده باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۲۵۱) چنانکه شارع شناسایی مالکیت دولت اسلامی نسبت به فیء را عدم تمرکز ثروت در انحصار عده خاص یعنی عدالت عنوان کرده است؛ «کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم» (حشر: ۷) که از آن، عدالت به عنوان مقصد کلان شناسایی می‌شود.

۲. مقاصد خاص

مراد از مقاصد خاص، مقاصدی هستند که شارع در مجموعه‌ای از احکام دنبال می‌کند که در باب خاص ساماندهی می‌شوند و از قرابت برخوردارند. مانند؛ مقاصد نکاح و مقاصد کیفر مجرمان.

۳. مقاصد جزئی

مقاصدی که شارع در یکایک احکام شرعی دنبال می‌کند، مقاصد جزئی خوانده می‌شوند. چنانچه مقصود از رهن، حصول اطمینان از استیفای دین است.

۱. ۲. ۳. مقاصد متوسط و نهایی

مقاصد شریعت دارای مراتب هستند. یعنی برخی از مقاصد و اهداف، مقدمه مقاصد و

اهداف بالاتری محسوب می‌شوند و بعضی دیگر خود دارای مطلوبیت ذاتی هستند. لذا مقاصد را می‌توان به اعتبار مقدمه شدن برای اهداف دیگر یا داشتن مطلوبیت ذاتی، به دو نوع متوسط و نهایی تقسیم کرد. چنانچه قرآن کریم هدف خلقت انسان را عبادت می‌داند: «و ما خلقت الانس و الجن الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶) و در آیه ۲۱ سوره بقره، مقصد از عبادت را تقوا تلقی می‌کند: «یا ایها الناس اعبدوا الله الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون» و در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران، تقوا را مایه فلاح و رستگاری می‌داند: «و اتقوا الله لعلکم تفلحون» ولی در قرآن کریم، فلاح و رستگاری برای مقصد دیگری مطرح نشده است. بنابراین از منظر قرآن کریم، رستگاری و فلاح مقصد نهایی به‌شمار می‌آید و عبادت و تقوا از مقاصد متوسط محسوب می‌شوند.

در تقسیم مقاصد شریعت به کلی، خاص و جزئی معلوم شد که شارع علاوه بر مقاصد کلی و کلان که در تشریح مجموعه احکام و مقررات عملی اسلام دارد، از تشریح هر حکم خاصی نیز، مقصد یا مقاصد مشخصی را دنبال می‌کند. در ادبیات فقهی و حدیثی به مقاصد هر حکم خاص، علل الشرایع اطلاق می‌شود.

در غالب موارد مراد از علل الشرایع، حکمت‌های احکام شرعی است. یعنی مصالحی که سبب جعل و تشریح حکم شرعی می‌شود. ولی آن حکم دائرمدار تحقق آن مصلحت نیست. یعنی می‌توان حکم را منهای آن مصلحت تصور کرد. مانند جلوگیری از فحشا و منکر که از حکمت‌های جعل حکم و جوب برای نماز است، ولی می‌توان وجوب نماز را منهای آن تصور کرد؛ یعنی حکم و جوب نماز دائرمدار تحقق آن نیست. لذا نباید علل شرایع را به‌معنای علت احکام دانست؛ چون علت حکم همان مصلحت و غرضی است که موجب جعل حکم شده و حکم وجوداً دائرمدار تحقق آن است. مانند «لاتشرب الخمر لانه مسکر» که اسکار، علت حکم است. یعنی حکم حرمت دائرمدار اسکار محسوب می‌شود.

مبحث دوم: سیر تاریخی طرح بحث از مقاصد شریعت و علل شرایع

۱.۲ سیر تاریخی طرح بحث از مقاصد و علل شرایع در اصول فقه اهل سنت

در تاریخ فقه اهل سنت اولین بار محمدبن علی ترمذی کتاب «الصلاة و مقاصدها» را نگاشته

است. مراد وی از مقاصد، حکمت‌های مترتب بر جعل و جوب نماز است. ولی تعبیر مقاصد شریعت به معنای مصطلح، از سده پنجم به بعد از ناحیه امام الحرمین جوینی در کتاب «البرهان فی اصول الفقه» مطرح شد و غزالی در کتاب «المستصفی من علم الاصول» آن را پروراند و شاطبی در کتاب «الموافقات» بحث از مقاصد شریعت را به اوج رساند تا آنجا که از وی به «امام المقاصد» یاد شده است.

در دوران اخیر، پژوهش‌های جدید در زمینه مقاصد شریعت و تعلیل احکام در بین اهل سنت فزونی یافت و کتاب‌های فراوانی در این زمینه نگاشته شد که «تعلیل الاحکام» از محمد مصطفی شلبی، «مقاصد الشریعة الاسلامیة» از محمد طاهر بن عاشور، «مقاصد الشریعة» از علال الفاسی، «المقاصد العامة للشریعة» از یوسف حامد از آن جمله‌اند.

۲.۲. سیر بحث از علل شرایع و مقاصد شریعت در اصول فقه امامیه

مؤلفان شیعه از سده‌های دوم و سوم در زمینه علل احکام، کتاب‌هایی نوشته‌اند همچون: ۱. «علل الشرایع» تألیف ابو محمد عمر بن مفضل جعفی؛ ۲. «العلل» نوشته فضل بن شاذان بن خلیل نیشابوری از دی؛ ۳. «العلل» تألیف علی بن حسن بن علی بن فضال فطحی؛ ۴. «العلل» نوشته ابوالحسن علی بن ابی سهل حاتم بن ابی حاتم قزوینی؛ ۵. «العلل» اثر احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دول قمی؛ ۶. «علل الشریعة» از ابو عبدالله حسین بن علی بن شبیان قزوینی؛ ۷. «العلل» از محمد بن ابراهیم بن محمد همدانی؛ ۸. «علل الشرائع و الاحکام» تألیف محمد بن علی بن بابویه معروف به صدوق. این‌ها کتاب‌هایی هستند که در این زمینه نوشته شده‌اند. از نگاشته‌های یاد شده تنها کتاب «علل الشرایع و الاحکام» تألیف شیخ صدوق به طور کامل باقی مانده است. تدوین علل الشرایع از ناحیه عالمان اسلامی الهام گرفته از روش قرآن کریم و بیانات نبی اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در زمینه بیان حکمت‌ها و علت‌های احکام الهی محسوب می‌شود. مسئله علل الشرایع، مورد توجه بزرگانی از قدمای فقهای امامیه هم بوده است.

فقیهان متأخر امامیه مانند امام خمینی (ره)، شهید مطهری (ره) به مسئله مقاصد شریعت و علل الشرایع توجه داشته‌اند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۱۷۷، ۲۹۲؛ همو، ۱۳۷۶: ۱۹؛ مطهری، ۱۳۸۰، ج ۹: ۲۷، همو، ۱۳۶۲: ۷۱ و ۷۳).

مبحث سوم: منابع دستیابی به مقاصد شریعت

مقصود از منابع مستندات است که برای اثبات حقانیت، مشروعیت، ضرورت و تعیین و تشخیص مقاصد شریعت ارائه می‌شوند. قرآن کریم، احادیث معتبر، عقل و بنای عقلا منابعی هستند که می‌توان علل الشرایع و مقاصد شریعت را با تکیه بر روش‌های استنباط از آنها استخراج کرد.

۳. ۱. مقاصد شریعت در قرآن و احادیث معتبر

قرآن کریم در بعضی از آیات خود، احکام شرعی را بیان کرده است. مانند: «اتموا الصیام الی اللیل» (بقره: ۱۸۷)؛ «إن الصلاة كانت للمؤمنین کتابا موقوتا» (نساء: ۱۰۳)؛ «فللذکر مثل حظ الاثنیین» (نساء: ۱۱) و در برخی گزاره‌های خود، مقاصد کلی شریعت یا حکمت‌های تشریح حکمی از احکام را بیان می‌کند. چنانچه گزاره «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶) مقصد زندگی انسان را عبادت می‌داند و گزاره «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵) قیام به قسط و عدل را از مقاصد اهداف ارسال پیامبران و کتاب‌های آسمانی تلقی می‌کند. یعنی عدالت از مقاصد کلان شرایع الهی است.

بعضی از گزاره‌های قرآنی مشتمل بر حکمت حکم شرعی هستند. چنانچه در آیه شریفه «کتب علیکم الصیام ... لعلکم تتقون» (بقره: ۱۸۳) تقوی از مقاصد روزه به‌شمار آمده است و در آیه شریفه «إن الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (عنکبوت: ۴۵) نهی از فحشا و منکر از حکمت‌های صلات ذکر می‌شود.

برخی از روایات نیز مانند آیات یادشده بیانگر حکمت‌ها و مقاصد شرعی هستند. چنانچه امام رضا (ع) در بیانی که فضل بن شاذان از آن حضرت نقل کرده است، فرمود: «إن سأل سائل، فقال: اخبرنی ... قیل لهم منها ما نعرفه و منها ما لانعرفه» (مجلسی، ۱۴۰۱ق، ج ۶: ۵۸)؛ «... اگر کسی پرسید که خداوند چرا خلق را مکلف نمود؟ در جواب گفته می‌شود به‌خاطر علت‌هایی و اگر پرسید که آیا آن علت‌ها، شناخته‌شده و موجودند یا ناشناخته و غیرموجودند؟ در جواب گفته می‌شود که البته آن علت‌ها به نزد اهلش شناخته و موجودند. و اگر سؤال کرد که آیا خود شما آنها را می‌دانید یا نمی‌دانید؟ در جواب گفته می‌شود که

برخی از آنها را می‌دانیم و برخی دیگر را نمی‌دانیم. ... و اگر سؤال کرد که وضو در اول نماز برای چه منظوری است؟ در جواب گفته می‌شود که وضو به این منظور است که وقتی بنده، هنگام ایستادن به مناجات با پروردگارش که برای اطاعت از امر اوست، پاک باشد، از پلیدی‌ها و نجاسات پاکیزه باشد، به‌علاوه اینکه وضو ساختن، موجب از میان رفتن کسالت و خواب‌آلودگی و پاکی دل برای قیام در پیشگاه خداوند جبار می‌گردد (همان: ۶۴) ... و اگر پرسید که چرا ذکرهای اذان را دو مرتبه می‌گویند؟ جواب داده می‌شود به‌دلیل اینکه در گوش شنوندگان تکرار شود و برای آنان مؤکد باشد، تا اگر کسی از ذکر نخست غفلت کند، از دومی غفلت نرزد، و به‌دلیل اینکه نماز دو رکعت است، پس [اذکار] اذان نیز دو مرتبه تشریح شده است (همان: ۶۶) ... اگر سؤال کرد که چرا میت را در کفن می‌پیچند؟ در جواب گفته می‌شود به‌دلیل اینکه پروردگارش را با بدنی پاکیزه ملاقات کند و به‌دلیل اینکه عورت وی برای کسانی که او را حمل و دفن می‌کنند، نمایان نشود و به‌دلیل اینکه برخی از حالات میت و زشتی منظر او بر مردم هویدا نگردد و زیرا قلب نظاره‌کنندگان از کثرت نظاره به چنین حالاتی قساوت نگیرد (همان: ۷۷). در خطبه حضرت فاطمه زهرا (س) آمده است: «... فَفَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ وَ تَنْزِيهاً مِنَ الْكِبْرِ ...؛ خداوند ایمان را به‌منظور پاکیزگی از شرک و تنزیه از کبر، و زکات را به‌منظور افزایش روزی و روزه را برای تثبیت اخلاص و حج را برای علو دین و عدل را به‌منظور آرامش دل‌ها و طاعت را برای نظام یافتن دین و امامت را به‌جهت پیشگیری از تفرقه و جهاد را برای عزت اسلام و صبر را برای یاری بر استحقاق یافتن و امر به معروف و نهی از منکر را به‌منظور مصلحت عموم مردم واجب نمود ...» (صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۶).

۳.۲. دستیابی به مقاصد شریعت با تکیه بر بنای عقلا

بسیاری از احکام شرعی امضایی هستند، یعنی پیش از نزول شریعت سابقه داشته‌اند و عقلا در عمل، به آنها پایبند بوده و هستند، مانند حکم لزوم بیع یا اجاره. لذا گزاره «احل الله البیع» در حقیقت چیزی جز امضای عقد بیع موجود و تأیید مقاصد آن بر اساس عرف و عادت زمان شارع نیست. ولی در احکام تأسیسی که از ابداعات شارع بوده و پیش از تشریح احکام اسلامی سابقه نداشته است، مانند نماز با اجزا و شرایط خاصش که از جمله

احکامی هستند که دستیابی به علل تشریح و مقصد شریعت از آن در غالب موارد، نیازمند به بیان شارع است و از دلیل جعل حکم یا دلیل دیگری می‌توان به مقاصد جزئی هر یک از آن احکام تأسیسی دست یافت؛ فقیهان از روش‌هایی چون تنقیح مناط و تعمیم ملاک به‌عنوان سازوکارهای دستیابی به علل شرایع بهره‌جسته‌اند. ولی بسیاری از آنان معتقدند که مناطات احکام تبعدی توسط عقول درک‌شدنی نیست (خمينی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۴۳۶). چگونه می‌توان به علت چهار رکعت بودن نماز ظهر و عصر پی برد؟! چون هر حکمتی هم که تعیین می‌شود، مُبَيَّن مصلحت قطعی حکم نیست.

باید یادآوری کرد که هر حکم عبادی ضرورتاً حکم تبعدی به‌شمار نمی‌آید. احکام عبادی احکامی هستند که قصد قربت در آنها شرط است و نفع و مصالح اخروی در آنها غلبه دارد یا تنها دارای مصالح اخروی باشند و برای تنظیم رابطه انسان با خدا پیش‌بینی شده باشند. برخی از این احکام عبادی ویژگی تبعدی یعنی جزمیت و توقیفی بودن ندارند. چون می‌توان به مصلحت جعل آن دست یافت، ولی برخی از احکام عبادی تبعدی هم هستند، یعنی نمی‌توان به مصالح و مقاصد آن دسترسی پیدا کرد. مانند نماز صبح که عبادی است و تعداد رکعات آن تبعدی و توقیفی محسوب می‌شود. همچنین چه‌بسا حکمی عبادی نباشد، ولی تبعدی به‌شمار آید مانند حکم وجوب عده نگهداشتن بر زنانی که در سنی هستند که عادتاً حیض می‌شوند، از ناحیه برخی فقیهان تبعدی و توقیفی به‌شمار آمده است.

۳.۳. دستیابی به مقاصد شریعت با تکیه بر دلیل عقل

فهم مصالح و مفساد احکام و مقاصد مورد نظر شارع از آنها توسط عقل، بر پیش‌فرض‌هایی مبتنی است که آن پیش‌فرض‌ها عبارتند از: ۱. احکام شرعی از مصلحت و مفسده در متعلق برخوردار است. یعنی هر جا مصلحت، لازم‌التحصیل یا مفسده لازم‌الاجتناب است، حکم شرعی هم وجود دارد. به تعبیر شهید در قواعد «الشرع معلل بالقواعد»؛ ۲. این مصلحت و مفسده، توسط عقل فهم‌شدنی و درک‌پذیر است؛ ۳. هر مصلحت و مفسده درک‌شده از ناحیه عقل، با حکم شرعی ملازمه دارد «ما حکم به العقل حکم به الشرع»؛ ۴. مصالح و مفساد مُحَصَّل مقاصد شریعت هستند؛ ۵. درک مقاصد از ناحیه عقل با درک مصالح و مفساد صورت می‌پذیرد.

مسئله امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع، از ناحیه عقل به نحوی که با تکیه بر این فهم بتوان به حکم شرعی دست یافت، همواره مورد توجه فقیهان بوده است. عده‌ای از آنان معتقدند که به غیر از طریق نقل نمی‌توان به مصالح و مفاسد، به‌عنوان مناطات مورد نظر شارع در احکام دست یافت. محمد امین استرآبادی (استرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۲، ۱۲۹، ۱۳۰)، سید نعمت‌الله جزایری (جزایری، بی‌تا: ۴۶ - ۴۷)، شیخ یوسف بحرانی (بحرانی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۳۱) از عالمان اخباری هستند که منکر درک و فهم مناطات احکام از ناحیه عقل بودند. علاوه بر اخباریون برخی از عالمان اصول نیز عقل را در درک مناطات همه احکام ناتوان می‌دانند. شیخ انصاری (شیخ انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۶۲)، محقق اصفهانی (اصفهانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۰)، محقق خویی (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۷۰) هر یک با تقریری بر آن تأکید دارند. گرچه فقیهان یادشده از درک عقل از مقاصد شریعت سخن نگفته‌اند، با عنایت به نسبت و رابطه مصالح و مفاسد احکام شرعی با مقاصد شریعت، می‌توان تلقی آنان را در زمینه مصالح و مفاسد، به مقاصد نیز تعمیم بخشید و قائل شد که این گروه از عالمان، فهم و درک مقاصد همه احکام را از ناحیه عقل بر نمی‌تابند. عالمان اهل سنت حتی محمد غزالی که خود از نظریه پردازان مقاصد شریعت است، منابع مصلحت شرعی را، قرآن، سنت و اجماع می‌داند و مصلحتی را که از غیر منابع یادشده فهمیده شود، مصالح غریبه و باطل تلقی می‌کند. شاطبی نیز در «الموافقات» دستیابی به مقاصد را از ناحیه عقل نمی‌پذیرد و می‌نویسد: «برخی معتقدند که مصالح و مفاسد مربوط به آخرت، تنها از طریق شرع (و نقل) شناخته می‌شود. اما مصالح و مفاسد دنیوی از راه ضرورت، تجربه، عادت و ظن معتبر قابل فهم است. ولی این سخن هرچند نسبت به مصالح و مفاسد اخروی صحیح است، اما در زمینه مصالح و مفاسد دنیوی به نحو مطلق قابل قبول نیست. اگرچه فی‌الجمله قابل پذیرش است» (شاطبی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۷).

در مقابل نظریه عدم امکان فهم مصالح و مفاسد از ناحیه عقل، عده‌ای با تأکید بر قاعده «ما حکم به العقل حکم به الشرع» بر این باورند که می‌توان از طریق عقل، به مصالح و مفاسد افعال دست یافت و با عنایت به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد درک شده، به حکم وجوب یا حرمت اذعان کرد. یعنی هرگاه عقل مصلحت حتمی (مُلزمه) در انجام دادن

عملی یا مفسده لازم الاجتناب در آن را درک کند، فاعل فعل دارای مصلحت را، مستحق مدح و ثواب و فاعل فعل دارای مفسده را، مستحق ذم و عقاب می‌داند. با استمداد از قانون ملازمه می‌توان به وجوب فعل دارای مصلحت و حرمت فعل دارای مفسده حکم کرد. این نظریه به مشهور اصولیان شیعه و گروهی از اهل سنت منسوب است (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۰). به‌عنوان نمونه میرزای قمی در این زمینه می‌نویسد: «گرچه این اعتبار به حکم قطعی عقل مستند باشد، به این جهت که عقل مصلحتی خالی از مفسده چون حفظ دین، جان، عقل، مال و نسل را درک می‌کند و شارع پاسداری از این مصالح و خودداری از آنچه را که به تباه شدن این مصالح می‌انجامد، اعتبار می‌نماید. یا این مصالح در شرع معتبر نیست. مثل اینکه گفته شود بر ممتول در کفاره روزه، تنها روزه دو ماه پی‌درپی واجب است، چرا که در مورد او بازدارندگی بیشتری دارد» (قمی، بی‌تا، ج ۲: ۹۱ و ۹۰).

برخی از عالمان بر این باورند که عقل فی‌الجمله مناطات احکام را به‌نحو قطعی درک می‌کند و ملازمه نیز انکارناپذیر است. ولی در هر مورد که چنین درکی و قطعی برای عقل حاصل شود، شرع مقدس به‌صورت خاص یا عام در قالب آیه یا حدیث، حکم آن را بیان کرده است. از این‌رو، برای رسیدن به حکم، به عقل نیازی نیست (صدر، ۱۴۰۳ق: ۹۸). به‌هر حال، درک مناطات احکام به‌نحو قطعی، از ناحیه عقل و شناسایی قانون ملازمه، فقیه را در اذعان به مقاصد احکام غیرتعبدی رهنمون می‌شود. از مجموع مباحث ارائه‌شده درمی‌یابیم که فقیه برای فهم، کشف و تبیین مقاصد شریعت باید به قرآن کریم، احادیث معتبر و عقل مراجعه کند.

مبحث چهارم: جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام شرعی

۴. ۱. تصریح به مقصد در لسان دلیل

در روش اجتهاد رایج، فقیه با مراجعه به ادله معتبر متضمن حکم شرعی آن را کشف و ارائه می‌کند. حال چنانچه، در آن ادله نقلی که متضمن حکم شرعی است، مقصد یا مقاصد آن حکم نیز ارائه شده باشد، اگر در مقام تعلیل نباشد، آن مقصد را، از مقوله حکمت حکم به‌شمار می‌آورد و در تفسیر ادله مزبور، از حکمت‌های تصریح‌شده بهره می‌جوید. به‌عنوان

نمونه در دلیل قرآنی «فَاعْبُدُونِي وَاقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴) که متضمن حکم شرعی و خوب نماز است، به یکی از مقاصد نماز که ذکر و یاد خداست تصریح می‌کند. یا در دلیل قرآنی «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (بقره: ۱۰۳) که متضمن حکم شرعی و خوب زکات است، به مقصد آن که تطهیر و تزکیه زکات‌دهنده بوده، تصریح شده است. یا در آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۱) ترس دشمنان خدا و مؤمنان، از مقاصد تمهید قوا و تجهیز مسلمانان به شمار می‌آید. فهم، تفسیر و تبیین حکم بدون توجه به مقاصد تصریح‌شده در لسان دلیل تمام نیست.

۴.۲. نحوه مواجهه فقیهان امامیه با ادله متضمن و مبین مقاصد شریعت

دسته‌ای از نصوص تنها متضمن مقاصد شارع هستند. دلیل «إعدلوا هو اقرب للتقوی» (مائده: ۶) از آن جمله است. بدون تردید از این دسته از ادله می‌توان به ارزش و اعتبار مقاصد شارع دست یافت، ولی آنچه مهم خواهد بود، نحوه مواجهه فقیه با ادله متضمن و بیانگر مقاصد حکم شرعی است. فقیهان و عالمان اسلامی در مواجهه با این ادله، رویکردهای مختلفی دارند؛ رویکرد اول اینکه فقهی با تکیه بر ادله متضمن حکم شرعی دلیل متضمن مقاصد را نادیده انگارد. به عنوان نمونه، در روایت معتبر از ابوولاد آمده است: «حیوانی را برای مدت کوتاهی کرایه کردم، حادثه‌ای رخ داد و مسافرتم به طول کشید. رفت و برگشت من پانزده روز شد، خواستم صاحب حیوان را به پانزده درهم راضی کنم، ولی راضی نشد. نزد ابوحنیفه رفتیم تا وی قضاوت کند و او چنین داوری کرد، صاحب حیوان هیچ حقی بر تو ندارد؛ زیرا تو با تخلف از قرارداد اجاره، ضامن حیوان شده‌ای و هرکس ضامن شود، نباید کرایه بپردازد! ابوداود می‌گوید: از پیش ابوحنیفه بیرون آمدیم در حالی که صاحب حیوان می‌گفت: «إنا لله و إنا الیه راجعون» (بقره: ۱۵۶) من او را با دادن مقداری مال راضی کردم. در همان سال به حج مشرف شده و محضر امام صادق (ع) نیز رفته و مسئله را عنوان کردم. امام (ع) فرمود: در مانند این قضاوت، آسمان باران را حبس و زمین از برکاتش امتناع می‌کند. سپس فرمودند: باید اجرت معمول بازار را به صاحب

حیوان پردازی» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۲۵۶). قضاوت ابوحنیفه بر اساس دلیل متضمن حکم یعنی «الخراج بالضمان» بوده است که نبی اکرم (ص) فرمودند: «منافع در مقابل ضمان است؛ و هر کس ضامن باشد، منافع نیز از اوست»؛ در حالی که بیان امام صادق (ع) بیانگر ضرورت رعایت عدالت معاوضی است؛ یعنی در ازای بهره‌مندی از منافع، باید اجرت آن بر اساس عرف پرداخت شود. به‌عنوان نمونه فقیهان در زمینه حکم زکات به مال یتیم، قائل به عدم وجوب شده‌اند، آنان در این فتوا به اصل عدم وجوب و اطلاق برخی ادله متضمن حکم عدم وجوب مانند خبر ابوبصیر، خبر محمدبن قاسم، خبر صحیح محمدبن مسلم و خبر صحیح زراره استناد جسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵: ۱۶ - ۱۷). اینها در تبیین فهم خویش به مقصد و حکمت جعل حکم زکات هیچ اشاره‌ای ندارند. ولی ابن‌ادریس حلی در تبیین ادله عدم تعلق حکم وجوب زکات به مال یتیم، به حکمت حکم وجوب زکات که همان تطهیر زکات‌دهنده و تزکیه آنها از گناهان است؛ «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها» (توبه: ۱۰۳) اشاره می‌کند و می‌نویسد: «طفل چون گناهی برایش متصور نیست، اخذ زکات برای تطهیر مال او بدون موضوع است» (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۳۰).

بنابراین بر اساس این رویکرد چه‌بسا بتوان برای تفسیر دلیل متضمن حکم شرعی، از دلیل متضمن مقاصد مربوط هم بهره جست.

رویکرد دوم اینکه پژوهشگر برای ادله متضمن مقاصد، اصالت قائل شود و ادله متضمن حکم شرعی را تنها مشتمل بر سازوکارها و ابزارهای وصول به آن مقاصد بداند. به‌عنوان نمونه، حد سرقت و حد محاربه، برای صیانت جامعه از جرایم مالی و امنیتی پیش‌بینی شده است.

چنانچه این مقصد با عقوبت‌های دیگری چون حبس یا مجازات‌های مالی تحصیل شود، می‌توان آن عقوبت‌ها را جایگزین حدود کرد و نص صریح قرآنی متضمن احکام شرعی مانند «السارق و بالسارقة فاقطعوا ايديهما» (مائده: ۳۸) و «انما جزاء الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الارض فساداً ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او

ینفوا من الارض» (مائه: ۳۳) را متعلق به اوضاع و احوال اجتماعی جامعه و عصر تشریح دانست. در اوضاع و احوال زندگی معاصر، باید ابزارها و سازوکارهای متناسب با عصر را، برای وصول به غایات و اهداف اختیار کرد.

برخی از کسانی که این رویکرد را پیشنهاد می‌کنند، سنجه مطلوب بودن ابزارها یعنی قانون‌ها و نهادهای مربوط به روابط حقوقی خانواده و اجتماع، حکومت و شکل آن، قضاوت، حدود، دیات، قصاص، معاملات و مانند اینها را، سازگاری و ناسازگاری آنها با امکان سلوک توحیدی مردم می‌دانند. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۸: ۸۶ - ۸۸).

پذیرش این رویکرد با کنار گذاشتن صدها نص قرآنی و هزاران روایت معتبر مشتمل بر احکام ملازمه دارد. چگونه می‌توان با به‌کارگیری مفاهیم غیرمنضبطی چون سلوک توحیدی، میراث به‌جای مانده مشتمل بر احکام را نادیده گرفت؟!

رویکرد صحیح در مواجهه با ادله مشتمل بر مقاصد شرایع این است که فقیه برای کشف حکم شرعی به ادله متضمن آن مراجعه کند و در همان حال به مقاصد در استنباط و کشف احکام و تفسیر آن توجه داشته باشد. وی می‌تواند در تبیین مبانی حکم شرعی به مقاصد و علل تصریح شده در ادله مشتمل بر حکم شرعی اشاره کند. ولی اگر مقتضای یک دلیل یا اطلاق و عموم آن مخالف مقاصد شریعت باشد، مطالعه در مواجهه فقیهان امامیه نشان می‌دهد که غالب آنان با اعتماد به ادله متضمن حکم شرعی، ادله مشتمل بر مقاصد را نادیده گرفته‌اند یا با توجه به اطلاق ادله متضمن حکم، آن را تفسیر کرده‌اند. در مقابل عده‌ای نیز در مواردی با اهتمام بخشیدن به مقاصد، ادله مبین حکم را به گونه‌ای سازگار با مقاصد تفسیر و توجیه کرده‌اند. بدون تردید نمی‌توان صدها آیه و هزاران روایت معتبر متضمن حکم شرعی را در استنباط حکم به‌عنوان ابزار و وسیله وصول به مقاصد نادیده گرفت. لذا فقیه در درجه نخست، به ادله متضمن و مبین حکم مراجعه می‌کند و آنها را مستند فتوای خود قرار می‌دهد، ولی او نمی‌تواند ادله متضمن مقاصد را نیز نادیده بگیرد. بلکه چه بسا اطلاق و عموم دلیل متضمن حکم شرعی، با مقصد شارع در دلیل مقاصد شارع سازگار نباشد. در این صورت دلیل مقاصد، از ظهور اطلاق و عموم دلیل متضمن حکم جلوگیری می‌کند.

محقق اردبیلی معتقد است «چنانچه اطلاق دلیل متضمن حکم جواز مقابله به مثل یعنی آیات ۴۰ و ۴۱ سوره مبارکه شوری "جزاء سیئه سیئه مثلها فمن عفی و اصلح اجره علی الله إنه لایحب الظالمین... " اقتضا دارد که قصاص در قتل، قطع عضو و جراحت و هر نوع مقابله به مثل، حتی ضرب و سخن ناروا را برمی تابد؛ البته در مواردی که (بر اساس دلیل خاص) مقابله به مثل و قصاص در آن جایز نیست، مانند شکستن استخوان و جراحت و ضرب در مورد بیم و قذف و امثال آن، از مدلول آیه خارج و بقیه موارد در عموم آیه داخل است. این دو آیه، بر جواز آنچه بیان شد، دلالت دارد. بدون اینکه به اذن حاکم و اثبات جرم نزد وی و شهود و مانند آن مقید باشد» (اردبیلی، بی تا: ۶۸۰).

ولی وقتی دلیل متضمن حکم جواز مقابله به مثل با ملاحظه مقاصد شارع در حفظ نظام جامعه (که منشأ حفظ نفس، مال، عرض و دین مردم است) بازخوانی شود، نمی توان به آسانی به جواز قصاص و مقابله به مثل از ناحیه مردم، بدون ارجاع به محکمه صالحه فتوا داد. یعنی مقاصد شریعت به عنوان یک قرینه، مانع ظهور اطلاق دلیل متضمن حکم شرعی می شود. به تعبیر دیگر، مقاصد شریعت با تصرف در ظهور دلیل مانع انعقاد آن، در اطلاق می شود. همچنین چه بسا در مواردی فقهی با عنایت به مقاصد شارع، در اصل صدور دلیل مشتمل بر حکمی تشکیک و تردید کند. به عنوان نمونه بسیاری از فقیهان برای رهایی از ارتکاب ربا به استناد روایاتی (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸: ۱۶۲-۱۶۳) به حیل ربا فتوا داده اند. در مقابل، بعضی دیگر با عنایت به مقاصد شریعت و علل الشرایع حکم حرمت ربا، در صدور این روایات تشکیک کرده اند. امام خمینی (ره) در این زمینه می نویسد: «این سخن خداوند که "سرمایه از آن شماست بدون آنکه ستم کنید یا مورد ستم قرار بگیرید" دلالت دارد بر اینکه گرفتن زیاده بر اصل مال، از دیدگاه شارع ظلم و ستم است. و همین ظلم و ستم حکمت تحریم یا علت آن است. این ستم با تبدیل عنوان از بین نمی رود. روایات صحیح و غیر آن، حرمت ربا را چنان تعلیل کرده که ربا سبب روگردانی مردم از معاملات و کار نیک است. و علت آن این است که ربا فساد و ظلم است» (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۵۵۳) و همچنین در بیان دیگری در زمینه روایات دال بر جواز حیل ربا می نویسد: «بعید نمی دانم که این احادیث برای تیره ساختن چهره امامان پاک و معصوم جعل شده باشد» (خمینی،

۱۴۲۱ق، ج ۵: ۵۳۱). بنابراین توجه و اهتمام به مقاصد شرعی موجب شده است که امام خمینی (ره)، در روایت‌های دال بر جواز حیل ربا، با وجود صحت سند برخی از آنها تردید نکند. فرآیند رسیدن به این نتیجه، مبتنی بر یک قیاسی منطقی و عقلی است و آن اینکه «گرفتن زیادت بر اصل مال ظلم و ستم است» و «ظلم و ستم در همه حال حرام است». در پیدایش درک قطعی عقل با عنایت به تعبیر شیخ انصاری، اکثر صاحب‌نظران در تعارض درک قطعی عقل با نقل، عقل را مقدم دانسته‌اند (شیخ انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۰ - ۱۱). شیخ انصاری نیز در این زمینه می‌نویسد: «در هر موردی که قطع به حکم از ناحیه دلیل عقلی حاصل شود دلیل نقلی نمی‌تواند با آن معارضه نماید. حال اگر به حسب ظاهر چنین تعارضی دیده شود، ناچار باید دلیل نقلی را چنانچه قابل طرح و رد نباشد، به تأویل برد» (همان). بنابراین مقاصد شریعت در برخی موارد امکان حضور عقل در کنار نص را فراهم می‌آورد و از این ناحیه در کشف استنباط تأثیر می‌گذارد.

نتایج و یافته‌ها

۱. مقاصد شریعت عبارت از اهدافی است که در شریعت به منظور جلب مصالح و دفع مفسد بندگان از ناحیه شارع دنبال می‌شود.
۲. مقاصد شریعت به اعتبارات گوناگون، تقسیمات متفاوتی دارد که به اعتبار اهمیت، به ضروریات، حاجیات و تحسینات تقسیم شده است.
۳. از منظر امام غزالی، حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان، از مصالح ضروریه به‌شمار می‌آیند.
۴. مصالح ضروریه، مَحْصَلِ مقاصد شریعت هستند.
۵. قرآن کریم، احادیث معتبر، عقل و بنای عقلا منابعی هستند که برای اثبات حقانیت، مشروعیت، ضرورت و تعیین و تشخیص مقاصد شریعت، مورد رجوع فقیه قرار می‌گیرند.
۶. فقیه در فهم، تفسیر و تبیین حکم شرعی از مقصد آن حکم، یا مجموعه‌ای از احکام همسو بهره می‌گیرد.

۷. مقاصد شریعت شاید در نفی اعتبار برخی از روایات، مغایر با مقاصد مورد استناد فقیه قرار گیرد.
۸. دلیل متضمن مقاصد شاید از ظهور اطلاق یا عموم دلیل متضمن حکم جلوگیری کند.

Archive of SID

منابع

۱. ابن ادريس حلی، محمد (۱۴۱۰ق). *السرائر*، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). *علل الشرائع*، قم: مکتبه الداوری.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۱۲ق). *مقاصد الشریعة الاسلامیه*، ج ۲، عمان: دارالفنایس.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زبدة البیان فی أحكام القرآن*، تهران: المکتبه الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.
۶. استرآبادی، محمد امین (۱۳۸۴). *القوائد المدنیة*، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر التابعة لجماعة المدرسين.
۷. اصفهانی، محمد حسین (بی تا). *نهاية الدراية في شرح الكفاية*، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).
۸. انصاری، مرتضی (۱۴۲۲ق). *فرائد الاصول*، چاپ دوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۹. بحرانی، یوسف (۱۳۷۶ق). *الحدائق الناضرة*، نجف: دارالکتب الاسلامیة.
۱۰. البدوی، یوسف احمد محمد (۱۳۷۸). *مقاصد الشریعة عند ابن تیمیة*، ج ۲، اردن: دارالفنایس.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، چاپ دوم، قم: تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۳. خوینی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *محاضرات فی اصول الفقه*، الطبعة الثالثة، قم: دارالهادی للمطبوعات.

۱۴. خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. _____ (۱۳۷۶). *ولایت فقیه*، ج ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. _____ (۱۳۷۶). *کتاب الطهارة*، ج ۳، قم: چاپخانه حکمت.
۱۷. _____ (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان - سوریه: دارالعلم - الدارالشامیة.
۱۹. ریسونی، احمد (۱۴۱۶ق). *نظریة المقاصد عند الامام الشاطبی*، بیروت: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۲۰. زحیلی، وهبة (بی تا). *مقاصد الشریعة اساس حقوق الانسان*، بی جا: المكتبة الاسلامیه.
۲۱. شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۱۵ق). *الموافقات فی اصول الشریعة*، ج ۱، تحقیق: شیخ ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفة.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۹۸۰). *القواعد و الفوائد فی الفقه*، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، نجف: منتدى النشر.
۲۳. صدر، شهید، سید محمد باقر (۱۴۰۳ق). *الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام*، چاپ هشتم، بیروت - لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *تهذیب الاحکام*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران.
۲۵. غزالی، ابو حامد (۱۴۱۷ق). *المستصفی من علم الاصول*، محمد عبدالسلام عبدالشاطی: دارالکتب العلمیة.
۲۶. فاسی، علال (۱۴۱۱ق). *مقاصد الشریعة الاسلامیة و مکارمها*، ج ۲، رباط.
۲۷. قمی، میرزا ابوالقاسم (بی تا). *قوانین الاصول*: بی جا.

۲۸. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸). *ایمان و آزادی*، تهران: طرح نو.
۲۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ ق). *بحارالانوار*، ج ۶، بیروت: دارالوفاء.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *اصل اجتهاد در اسلام (مجموعه مقالات)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۱. _____ (۱۳۸۰). *مجموعه آثار*، تهران: صدرا/
۳۲. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، چاپ هفتم، بیروت - لبنان: دارالاحیاء التراث العربی.
۳۳. نراقی، احمد (۱۴۱۷ ق). *عوائد الایام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

Archive of SID